



## گفت و گو با احمد نقیب زاده، تحلیلگر مسائل بین الملل:

# میانجیگری قطری ها هم کارگر نخواهد بود

### گفت و گو تنهاراحل کاهش تنش

آرمان ملی - احسان انصاری: بعد از ظهر روز دوشنبه بود که محمد بن عبدالرحمن بن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر در صدر هیئتی دیپلماتیک وارد تهران شد و با محمدجواد ظریف همتای ایرانی خود دیدار کرد. پس از این دیدار رئیس دستگاه سیاست خارجی قطر با حسن روحانی نیز دیدار و گفت و گو داشت. این سفر غیر مترقبه از آن جهت اهمیت دارد که تنها پس از موضوع سکندار سیاست خارجی کشور قطر مبنی بر تلاش دو حه برای میانجیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکا صورت گرفت. کمابینه محمد بن عبدالرحمن آل ثانی قبل از حضور در تهران در توئیترش نوشت: برای دیدار با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران و رابرتی درباره تحولات اخیر در منطقه و روش های افزایش امنیت و ثبات به وسیله مذاکرات سازنده به تهران سفر کردم. لذا به باور بسیاری از کارشناسان، آل ثانی با هدف میانجیگری در تنش ایران و ایالات متحده آمریکا در تهران حضور پیدا کرده است. اما سوال بسیار مهمی که وجود دارد این است که آیا این میانجیگری می تواند به نتیجه برسد؟ آیا دو حه با هماهنگی و چراغ سبز واشنگتن به تهران سفر کرده است؟ از همه مهم تر، آیا دو حه توان سیاسی و دیپلماتیک لازم برای میانجیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکا را دارد؟ سوال اساسی تر ناظر بر این مساله است که آیا تنش تهران و واشنگتن به نقطه میانی ناپذیر رسیده است؟ دیپلماسی ایرانی پاسخ به این سوال را در گفت و گو با احمد نقیب زاده، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین الملل پی گرفته است که در ادامه می خوانید:

روز دوشنبه محمد بن عبدالرحمن بن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر در سفری غیر مترقبه وارد تهران شد و با محمدجواد ظریف و حسن روحانی دیدار کرد. بسیاری این سفر و دیدارهای وزیر امور خارجه قطر را تلاش های دیپلماتیک میانجی گرایانه دوحه برای کاهش تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا قلمداد می کنند. اگر این گزاره درست باشد از نگاه شما آیا قطر موفق خواهد شد کاهش تنش بین تهران و واشنگتن را به سرانجام برساند؟

بسیار بعید می دانم که تنش تهران و واشنگتن با تلاش های دیپلماتیک میانجی گرایانه کشوری مانند قطر تعدیل پیدا کند، چون اساسا فرآیند اینگونه کدام طرف مقصر شرایط کنونی است، تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا در طول ۴۰ سال گذشته مرتباً در حال عمیق و عمیق تر شدن بوده است، به خصوص در دوران دونالد ترامپ این تنش به بیشترین میزان و شدت خود رسید. پس با تلاش های میانجی گرایانه کشوری مانند قطر این تنش قابل تعدیل نیست. مود این نکته به تلاش های میانجی گرایانه برخی کشورها مانند ژاپن، سوئیس، فرانسه و کشورهای منطقه برای کاهش تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا در دوران دونالد ترامپ بازمی گردد که همه آنها به شکست انجامید.

اما با روی کار آمدن جو بایدن و تعدیل نگاه های رادیکال واشنگتن به ویژه در مقوله سیاست خارجی و به خصوص پرونده فعالیت های هسته ای ایران به نظر می رسد که اکنون کورسوی امید برای کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در راستای تحکات دیپلماتیک میانجی گرایانه شکل گرفته است. آیا روی کار آمدن جو بایدن و بازگشت منطق به دیپلماسی ایالات متحده آمریکا می تواند این تلاش ها را به نتیجه برساند؟

در راستای نکته پیشین که به آن اشاره کردم در دوران دونالد ترامپ تحولاتی شکل گرفت که تنش تهران و واشنگتن را به یک نقطه بسیار عمیق رسانده است. به هر حال خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، احیای تحریم ها و اعمال سیاست فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران، آن هم در دوره ای که کشور با تبعات اقتصادی و بهداشتی ناشی از شیوع کرونا دست به گریبان بود سبب شده است که اکنون گسل بسیار جدی بین ایران و ایالات متحده آمریکا شکل بگیرد که با تلاش های میانجی گرایانه قطر یا هر کشور دیگری قابل بردن نیست.

بسیس شما معتقدید تنش تهران - واشنگتن به یک نقطه میانی ناپذیر رسیده است؟  
نمی توان با قاطعیت گفت که تنش بین ایران و ایالات متحده تمام می رسد که اکنون کورسوی امید برای کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در راستای تحکات دیپلماتیک میانجی گرایانه کشوری مانند قطر این تنش قابل تعدیل نیست. مود و عملی در میانجی گرایانه کشورهای دیگر نتواند گامی مثبت، موثر و عملی در تعدیل این تنش ها داشته باشد. صد البته ترور سردار سلیمانی هم سایه سنگینی بر عدم حل و فصل تنش تهران - واشنگتن انداخته است. اما این نکته به معنای آن نیست که تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا به یک نقطه میانی ناپذیر رسیده است.

بسیس روح احل کاهش تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا را چگونه باید پی گرفته شود که بتواند به کاهش تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا بینجامد؟

من معتقدم اول این تلاش های میانجی گرایانه نباید تلاش های دیپلماتیک منفرد، مستقل و جزیرهای از سوی یک یا چند کشور باشد، بلکه باید مجموعه ای از کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در یک برنامه یزی دقیق، گام به گام و عملیاتی بستر را برای مذاکره ایران با ایالات متحده آمریکا فراهم کنند. پس چون نمی توان با این تلاش های میانجی گرایانه تنش ها را تعدیل کرد، باید تحکات دیپلماتیک کشورهای شگلیرد، زیراپرو نکات قبلی که به آن اشاره کردم تنش ایران و

ایالات متحده آمریکا به نقطه ای رسیده است که تنها با گفت و گو قابل حل و فصل است. پس تلاش های دیپلماتیک کشورها باید برای فضا سازی و انجام بستر لازم به منظور شکل گیری مذاکرات مستقیم بین ایران و ایالات متحده آمریکا باشد.

بما تمام این تفاسیر حتی اگر محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر با هماهنگی و چراغ سبز واشنگتن به تهران سفر کرده باشد باز نمی توان به نتیجه و خروجی حضور رئیس دستگاه سیاست خارجی قطر در تهران امیدوار بود؟

واقعیت این است که چالش کنونی یعنی عدم بازگشت جو بایدن به برجام، لغو تحریم ها و سایه سنگین سیاست فشار حداکثری سبب شده است که کماکان تنش همانند دوران دونالد ترامپ ادامه پیدا کند. حتی معتقدم که با اشرافی که جو بایدن به حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی دارد تنش ایران و ایالات متحده آمریکا در دوران او قدری پیچیده تر و بغرنج تر خواهد شد. در صورتی که در دوره دونالد ترامپ اگر چه تنش عمیق بود، اما پیچیدگی خاصی نداشت، بلکه همه تحرکات دیپلماتیک مشخص بود. ولی حالا روابی ها، کشورهای منطقه، ایالات متحده آمریکا، آژانس بین المللی انرژی اتمی و... هر کدام به دنبال یک برنامه پیچیده در دوران جو بایدن برای تقابل با ایران هستند. البته به نظر می رسد که ایران و ایالات متحده آمریکا با این مواضع به دنبال منافع و خواسته های حداکثری هستند تا با مذاکره و گفت و گو نتوانند به حداقل های خود دست پیدا کنند، اما فعلا این شرایط باعث شده است که کشوری مانند قطر نتواند حتی با چراغ سبز ایالات متحده آمریکا و جو بایدن با حضور در تهران نتواند به کاهش تنش ها کمک کند. در بهترین حالت وزیر امور خارجه قطر نقش یک بستجی را برای کاهش تنش ها بین ایران و ایالات متحده آمریکا ایفا کرده است و سعی داشته مواضع دولت بایدن را در تهران منتقل کند که آن هم کار چندان پیچیده ای نیست.

حسبی اگر وزیر امور خارجه قطر حاوی پیامی از دولت بایدن بسرای چگونگی بازگشت آمریکا به برجام، تعدیل تنش ها و لغو تحریم ها باشد؟

اگر ایالات متحده آمریکا وزیر امور خارجه قطر را با پیامی برای چگونگی بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم ها به تهران روانه کرده باشد می تواند فضای مثبتی را ایجاد کند، اما زمانی که جمهوری اسلامی صراحتاً عنوان می کند ایالات متحده آمریکا به دلیل خروج دونالد ترامپ از برجام، احیای تحریم ها و اعمال سیاست فشار حداکثری باید در تمام نخست به برجام بازگردد، تحریم ها را لغو کند و بعد از راستی آزمایی ایران، تهران بازگشت از اقدامات کاهش تعهدات برجامی در دستور کار قرار خواهد داد، نشان می دهد که با میانجیگری و ارسال پیام طرفین این مساله قابل حل و فصل نیست.

به اهداف احتمالی دیگر سفر وزیر امور خارجه قطر به ایران بپردازیم. چرا که این سفر در بعد دیگری می تواند برای تلاش های میانجی گرایانه دوحه برای کاهش تنش بین ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی شکل گرفته باشد. در این صورت هم باز شما معتقدید این تلاش ها نمی تواند به کاهش تنش بین ایران و این کشورها به خصوص عربستان سعودی بینجامد؟

واقعیت این است که تنش ایران و عربستان سعودی، ذیل تداوم تنش ایران و ایالات متحده آمریکا دارد. لذا تا زمانی که تهران و واشنگتن در خصوص برجام و دیگر مسائل به یک نتیجه نرسند و تنش ها کاهش پیدا کنند، عربستان سعودی نیز به دنبال تقابل و تشدید تنش ها با ایران خواهد بود.

## نکته و نظر

### همدلی ایران و افغانستان با سناریوی سازی ها کم رنگ نمی شود

در روزهایی که بعضی نگاه های رسانه ای غرب، سناریوی سازی برای اختلاف افکنی میان دو ملت ایران و افغانستان را به پنهان های مختلف دنبال می کردند تا از رهگذر آن، اهداف سیاسی خود را دنبال کنند، یک حادثه نشان داد در روزهای بحرانی، دوست و دشمن از هم تمیز داده می شوند تا جایی که همان بنگاه های رسانه ای این بار سکوت پیشه کنند و از همدلی تاریخی میان دو کشور ایران و افغانستان چیزی نگویند. ماجرا از آنجایی شروع شد که انفجار بزرگی در تاسیسات کمربندی اسلامقلعه افغانستان یعنی نقطه مقابل کمربند مرزی دوغارون شهرستان تایباد در خراسان رضوی رخ داد که به دلیل حضور نانکرهای حامل سوخت، منجر به انفجارهای پیاپی و گسترش آتش سوزی در این منطقه مرزی شد. شدت و وسعت حادثه به آن قدری بود که والی هرات بلافاصله از استاندار خراسان رضوی درخواست کمک داشت و استاندار نیز به سرعت دستور اعزام نیروهای امدادی را به منطقه صادر کرد. ۶۵ آتش نشان از شهرهای تایباد، تربت جام، باخرز، فریمان و خواف با ۲۰ دستگاه خودروی سنگین و چهار خودروی نیمه سنگین آتش نشانی بلافاصله به منطقه حادثه اعزام شدند تا عملیات مهار آتش گسترده و انفجارهای پی در پی در اسلامقلعه افغانستان را انجام دهند. در این حادثه حدود ۵۰۰ نانکر نفت و گاز دچار آتش سوزی شد که خسارت وارده نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار برآورد شده است اما نکته ای که رسانه های غربی عامدانه به آن نیز پرداختند جلوگیری از میلیون ها دلار خسارت دیگری بود که این حادثه می توانست با توجه به گستردگی و وسعت به بار بیاورد اما با تدبیر و کمک همدلانه دولت جمهوری اسلامی، از بروز این خسارت جلوگیری شد. با اقدامات امدادی و همکاری نیروهای ایرانی، نزدیک به دوهزار تریلی دیگر که در این منطقه مرزی حضور داشتند، از این حادثه نجات پیدا کردند و تعدادی از خودروها نیز به هرات اعزام شدند، به طوری که معاون رئیس جمهوری افغانستان از دولت جمهوری اسلامی ایران برای کمک به اطفای حریق و اجازه دادن به ورود صدها کامیون به خاک ایران برای مصون ماندن از آتش سوزی نیز تقدیر کرد. وزیر خارجه افغانستان نیز یک روز پس از حادثه اعلام کرد «از کشور دوست ایران در راستای مهار آتش سوزی، جلوگیری از خسارات بیشتر و همچنان گشودن مرز و انتقال بیش یک هزار کامیون به خاک ایران، صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می کنم». اما نکته قابل تامل درباره کشورهایی که اهداف سیاسی در ماه های گذشته تلاش داشتند با همین در فضی اتفاق های فردی، آتش اختلاف افکنی میان دو ملت را شعله ور کنند اظهاراتی است که معاون رئیس جمهوری افغانستان در مورد این حادثه مطرح کرد. امر... صالح در واگویی علت حادثه اخیر، استاندار نبودن خدمات رسانی در کمربند و مرزهای این کشور را یکی از مشکلات اساسی بیان کرد و گفت: با اینکه حجم تجارت با همسایه ها افزایش یافته اما زیرساخت ها و امکانات متناسب با حجم مبادلات توسعه نیافته است. این در حالی است که کشورهای غربی از جمله آمریکا که حالا رسانه ها نشان با ادعای دوستی نسبت به مردم افغانستان، تلاش برای ایجاد دشمنی میان ملت های ایران و افغانستان دارند، نزدیک به دو دهه از حضورشان در آن کشور می گذرد؛ حضوری که قرار بود توسعه و بهبود زیرساخت های اقتصادی را برای این کشور به ارمان بیاورد. اما حلاظهارت معاون رئیس جمهوری افغانستان و حادثه کنونی، نشان داد میان ادعاهای تا واقعیت ها فاصله زیادی وجود دارد. انظرتم می رود رسانه های دو کشور دوست و همسایه که از اشتراکات زبانی و فرهنگی زیادی برخوردارند، با درک چنین شرایطی، هر چه بیشتر در جهت تقویت همدلی میان دو ملت قدم بردارند تا آرامش و دوستی میان دو کشور، در سایه آگاهی بخشی رسانه های ایران و افغانستان، تقویت شود.

## حجت اله صیدی در افتتاحیه دومین نمایشگاه و همایش تخصصی «حمایت از ساخت داخل در صنعت پتروشیمی»

# طرح «طراوت» بانک صادرات محصولات پتروشیمی را افزایش داد

افزایش سالانه ۵ میلیون تن تولید محصولات پتروشیمی



صیدی ادامه داد: در بخش تولید و سازندگان داخلی صنعت پتروشیمی، حماسه های بزرگی خلق شده و باید با اعتماد مضاعف و کنترل کیفیت از آنها حمایت کنیم و در کنار سازندگان داخلی، صندوق نوآوری و شکوفایی نیز کمک خواهد کرد تا اهداف این صنعت تحقق یابد.  
وی در بیان سومین محور سخنان خود که به تأمین مالی اختصاص داشت، گفت: چهار بانک حاضر در این نمایشگاه بیش از ۶۰ میلیارد دلار منابع مالی دارند و اگر بتوان حداقل ۱۰ درصد آن را به حمایت از صنعت

پتروشیمی به وجود آورد.  
امضای تفاهم نامه همکاری بانک صادرات ایران با پتروشیمی خلیج فارس و انجمن استصنا  
همچنین همزمان با برگزاری دومین نمایشگاه و همایش تخصصی حمایت از ساخت داخل در صنعت پتروشیمی در جزیره کیش، تفاهم نامه همکاری بانک صادرات ایران با شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران (استصنا)، به امضا رسید.  
به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، با امضای این دو تفاهم نامه، مرحله جدیدی از همکاری بانک صادرات ایران برای تأمین مالی شرکت های فعال در صنعت پتروشیمی آغاز شد.  
تفاهم نامه بانک صادرات ایران با شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس توسط حجت اله صیدی، مدیرعامل بانک صادرات ایران و جعفر ربیعی، مدیرعامل این شرکت در حضور فعالان صنعت پتروشیمی به امضا رسید که بر مبنای آن، سقف تسهیلات و تعهدات بانک صادرات ایران تا ۱۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافت.  
همچنین سقف میزان گشایش اعتبارات اسنادی داخلی ریالی به این شرکت و شرکت های تابعه به ۵۰ هزار میلیارد ریال و سقف صدور انواع ضمانت نامه برای این شرکت تا ۲۰ هزار میلیارد ریال ارتقا داده شد.  
بر اساس تفاهم نامه بانک صادرات ایران با انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران (استصنا) نیز سقف تسهیلات، صدور ضمانت نامه و گشایش اعتبارات اسنادی ریالی و ارزی به ۳۵ هزار میلیارد ریال رسید. ارائه انواع خدمات و راه های بانکداری الکترونیک نیز از دیگر مفاد این تفاهم نامه بود که به امضای حجت اله صیدی، مدیرعامل بانک صادرات ایران و مجید محمدپور رئیس هیات مدیره استصنا رسید.  
تفاهم نامه بانک صادرات ایران و صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری  
به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، تفاهم نامه همکاری بانک صادرات ایران و صندوق نوآوری و شکوفایی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری با حضور مسئولان و مدیران شرکت های فعال در صنعت پتروشیمی در محل غرفه این صندوق در دومین نمایشگاه تخصصی صیدی، مدیرعامل بانک صادرات ایران و علی وحدت، مدیرعامل صندوق نوآوری و شکوفایی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری رسید.  
حجت اله صیدی در افتتاحیه این نمایشگاه با بیان اینکه صندوق نوآوری و شکوفایی در کنار سازندگان داخلی به تحقق اهداف صنعت پتروشیمی کمک می کند، بر حمایت از شرکت های دانش بنیان تاکید کرد.  
برقراری و توسعه همکاری ها، ارائه خدمات مالی و بانکی، اعطای انواع تسهیلات در قالب عقود اسلامی، صدور ضمانت نامه، گشایش اعتبارات اسنادی ریالی و ارزی و ارائه انواع خدمات بانکداری الکترونیک توسط بانک صادرات ایران به این صندوق و شرکت های معرفی شده از سوی آن، از مفاد این تفاهم نامه است. بانک صادرات ایران با حمایت از شرکت های دانش بنیان طی سال های اخیر، سهم مهمی در تأمین مالی این شرکت ها و تولید محصولات نهایی آنها داشته است.